

چالش‌های جدید احیای برجام

فشارها بر جمهوری اسلامی برای ازسرگیری فوری مذاکرات برجام از نقطه‌ای که در ۳۰ خرداد متوقف گردید، تشدید شده است. در آستانه برگزاری اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هفته گذشته مدیرکل آژانس گزارش جدیدی از تخلفات و مخفی‌کاری‌های جمهوری اسلامی به اعضای اجلاس آتی شورای حکام ارائه داد. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تازه‌ترین گزارش خود جمهوری اسلامی ایران را موردانتقاد قرارداد و گفت: ایران فعالیت‌های آژانس و بازرسان آن را به‌طورجدی تضعیف کرده است.

بخش‌هایی از گزارش آژانس که سه‌شنبه ۱۶ شهریور انتشار یافت، حاکی است که جمهوری اسلامی به درخواست‌های آژانس برای دسترسی به تجهیزات نظارت از راه دور پاسخ نداده است. این تجهیزات، اطلاعاتی را ضبط می‌کند تا در صورت احیای برجام، به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داده شود. همچنین جمهوری اسلامی تاکنون توضیحات لازم را در مورد ذرات اورانیوم به‌دست‌آمده در سایت‌های اعلام‌نشده خود، ارائه نکرده است.

این گزارش می‌گوید حتی پس از ۲ سال، موضوعات پادمانی ذکرشده در رابطه با ۴ مکان در ایران که به آژانس اعلام و معرفی نشده، همچنان حل‌نشده باقی‌مانده‌اند.

مطابق توافق هسته‌ای و برنامه جامع اقدام مشترک، جمهوری اسلامی متعهد شده بود اورانیوم را تا کمتر از چهار درصد غنی کند. بر طبق گزارش تازه آژانس، ایران در حال حاضر حجم اورانیوم با غنای ۲۰ درصد را به ۸۴ کیلوگرم و میزان اورانیوم غنی‌شده در سطح ۶۰ درصد را به ۱۰ کیلوگرم افزایش داده است.

درصفحه ۲

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در مورد بمباران محل استقرار
نیروهای اپوزیسیون در
کردستان عراق
و مردم منطقه توسط رژیم
جمهوری اسلامی

درصفحه ۹

گر به تنگ آیند، به جنگ آیند



با پیشروی‌های سریع طالبان در هفته‌های اخیر، بسیاری سقوط دولت افغانستان را در آینده‌ای نزدیک اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند، اما در پی عدم مقاومت نیروهای ارتش و امنیتی افغانستان، طالبان زودتر از پیش‌بینی‌ها به دروازه‌های کابل رسیدند. به گفته مقامات کابینه مبنی بر گفتگو و توافق، پیش‌بینی می‌شد طالبان پشت دروازه‌های کابل در انتظار انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در انتظار بمانند، اما فرار اشرف غنی این پیش‌بینی

درصفحه ۳

ارتقای آگاهی معلمان و ضرورت تعمیق مبارزه

در هفته‌ای که گذشت، خیابان‌ها شاهد حضور مجدد معلمان معترض، آن‌هم در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید بودند. کارنامه سبزها، جوانانی که در امتحانات کتبی آزمون استخدامی قبول شده اما وزارت آموزش و پرورش به‌رغم کمبود حداقل ۲۰۰ هزار معلم (به اعتراف مقامات دولتی) از استخدام آن‌ها خودداری می‌کند، تمام هفته حتما در روز جمعه که تمامی ادارات تعطیل هستند، در برابر وزارت آموزش و پرورش با شعارهایی همچون "نه مجلس نه دولت نیستن به فکر ملت"، "مسؤل بی کفایت عامل خوار و خفت"، "حمایت از مافیای حمایت از ظالم است" و "تا حقمو نگیرم از اینجا نمیرم"، دست به اعتراض زدند.

در صفحه ۱۰

مسکن‌سازی روی هوا

بحث و گفتگو در رسانه‌های حکومتی پیرامون برنامه رستم قاسمی وزیر راه و شهرسازی رئیسی حول ساختن یک‌میلیون واحد مسکونی در سال همچنان ادامه دارد. هیاهوی تبلیغاتی که از زمان معرفی رستم قاسمی دریادار پاسدار سپاه و وزیر نفت در دوره احمدی‌نژاد، به‌عنوان وزیر پیشنهادی راه و شهرسازی به مجلس معرفی شد آغاز شده بود، در روزهای بعد و تا همین لحظه ادامه یافته است. این ساخت یک‌میلیون مسکن سالانه نه‌فقط یکی از ابزارهای تبلیغاتی شخص رستم قاسمی برای کسب وزارت راه و شهرسازی بود که البته هنگام ارائه برنامه‌اش به مجلس در رؤیای سابق و وزارت نفت سیر و سیاحت می‌کرد، بلکه به یکی از عرصه‌های مهم تبلیغاتی کابینه و شخص رئیسی نیز تبدیل شده است. رستم قاسمی بخش مهمی از برنامه خود را به "توسعه مسکن" اختصاص داده و چنین ادعا نموده است که سالانه یک‌میلیون و در ظرف چهار سال، ۴ میلیون واحد مسکونی ساخته و در اختیار بی مسکن‌ها قرار دهد.

درصفحه ۵

پشت پرده حملات توپخانه ای و هوایی جمهوری اسلامی به اقلیم کردستان

صبح روز پنجشنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۰، قسمت‌هایی از مناطق مرزی اقلیم کردستان عراق که محل استقرار تعدادی از احزاب کردستان ایران است، زیر حملات شدید هوایی و توپخانه ای سپاه پاسداران قرار گرفت. بنابر گزارش‌های منتشره، این حملات در حوالی ساعت ۶ بامداد با تجاوز چندین فروند جنگنده و پهبادهای انتحاری جمهوری اسلامی به حریم هوایی کردستان عراق شروع شد و پس از آن، ارتفاعات "هلوگورد"، "بریزین" و "الانته" نیز زیر آتش سنگین کاتوشا و توپخانه‌های سپاه پاسداران

درصفحه ۶

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

چالش‌های جدید احیای برجام

گزارش مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تاکید می‌کند که عدم پاسخگویی ایران به درخواست‌های آژانس برای دسترسی به تجهیزات نظارتی خود، توانایی فنی آژانس را برای تداوم اطلاع از فعالیت‌های هسته‌ای ایران به خطر می‌اندازد.

این گزارش، واکنش‌های گسترده‌ای را در پی داشت. در پی این گزارش اعلام شد قدرت‌های اروپایی و آمریکا قصد دارند، قطعنامه‌ای را علیه جمهوری اسلامی به اجلاس ارائه دهند. هم‌زمان با آن یک رشته رفت‌وآمدها و گفتگوهای سیاسی میان قدرت‌های بزرگ صورت گرفت.

وزیر خارجه آمریکا روز چهارشنبه در کنفرانس خبری مشترک با وزیر خارجه آلمان هشدار داد که آمریکا دارد به نقطه‌ای "نزدیکتر" می‌شود که از خیر برجام بگذرد.

او گفت: با توجه به پیشرفت‌های تازه ایران در برنامه هسته‌ای داریم به نقطه‌ای نزدیکتر می‌شویم که بازگشت به برجام آن منطقی است. این توافق انتظار می‌رود را برآورده نمی‌کند. این اظهار نظر البته بیشتر یک بلوف سیاسی برای ترساندن جمهوری اسلامی بود، چرا که دولت آمریکا راه دیگری جز دیپلماسی و مذاکره برای حل برجام ندارد. وزیر خارجه آلمان هم در این کنفرانس خبری از نقض مفاد توافق هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی انتقاد کرد و افزود که وقفه دو یا سه‌ماهه در گفتگوها با ایران بسیار طولانی است.

در همین حال، نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران نیز با معاون وزیر خارجه روسیه دیدار کرد. وزارت خارجه روسیه روز پنجشنبه هفته گذشته در بیانیه‌ای اعلام کرد که سرکنی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه و رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران در خصوص جنبه‌های بازگشت به اجرای کامل به توافق جامع اقدام مشترک به گفت‌وگو پرداختند. طرفین بر نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در احیای برجام و افزایش ثبات تاکید کردند. همچنین دو طرف بر عزم خود نسبت به تداوم حمایت از فعالیت‌های راستی آزمایی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطابق با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل تاکید کردند. نماینده ویژه آمریکا در امور ایران در ادامه مذاکرات خود با مقامات فرانسه نیز گفتگو کرد. دولت فرانسه هم از جمهوری اسلامی خواست سریعاً به مذاکرات بازگردد.

نخست‌وزیر اسرائیل حتی به تهدید متوسل شد. از قدرت‌های جهانی خواست هرچه سریع‌تر برای مهار برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی اقدام عملی و قاطعانه‌ای انجام دهد و تهدید کرد که اسرائیل از تمام توان خود برای مقابله با برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی استفاده می‌کند.

در ادامه این موضع‌گیری‌ها، تماس‌ها و گفتگوها با مقامات جمهوری اسلامی نیز افزایش یافت. روز چهارشنبه رئیس شورای اروپا در یک تماس تلفنی با رئیس‌جمهور ایران خواستار از سرگیری فوری مذاکرات وین و اجرای کامل تعهدات برجام شد. وی سپس در توییتی نوشت: درباره برجام،

اتحادیه اروپا با همه طرف‌ها و آمریکا همکاری خود را تا اجرای کامل این توافق ادامه می‌دهد. باید از این فرصت دیپلماتیک برای ثبات بیشتر در منطقه استفاده کرد. رئیس‌جمهور ایران اما نارضایتی از جمهوری اسلامی را از گزارش مدیر کل آژانس و هرگونه عواقب احتمالی آن از جمله صدور قطعنامه ابراز داشت و افزود: "در صورت برخورد غیر سازنده در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، انتظار اینکه ایران واکنش سازنده داشته باشد، منطقی نیست. اقدامات غیر سازنده طبیعتاً محل مسیر مذاکره نیز هست." پیش‌از این نماینده جمهوری اسلامی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز نگرانی رژیم را از اقدامات شورای حکام اعلام کرده بود. او گفته بود: "هر اقدام غیر سازنده‌ای، روند مذاکرات را مختل می‌کند. البته من امیدوارم منطق در نشست هفته آینده شورای حکام حاکم باشد."

دبیر کل سازمان ملل نیز روز پنجشنبه گذشته در یک تماس تلفنی با وزیر خارجه جدید جمهوری اسلامی از وی خواست که جمهوری اسلامی سریع‌تر به مذاکرات احیای برجام بازگردد. وزیر خارجه رژیم در پاسخ وی گفت: جمهوری اسلامی ایران در حال بررسی‌های لازم در این زمینه در دولت است.

در حالی که تلاش‌های دیپلماتیک برای از سرگیری مذاکرات شدت گرفته است، روز یکشنبه مدیرکل آژانس برای اطلاع از آخرین مواضع جمهوری اسلامی وارد ایران شد و با رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی دیدار و گفتگو کرد. در همین حال جمهوری اسلامی کمی عقب‌نشینی کرد و اعلام شد به آژانس اجازه دسترسی دوباره به تجهیزات نظارتی در سایت‌های هسته‌ای ایران داده شده است.

آنچه از تحولات اخیر بر سر تلاش برای احیای برجام برمی‌آید این است که اتحادیه اروپا و آمریکا در تلاش‌اند با زیر فشار قرار دادن جمهوری اسلامی، مذاکرات سریع‌تر از سر گرفته شود. جمهوری اسلامی گرچه به برچیده شدن تحریم‌ها به‌ویژه برای کسب درآمدهای نفتی نیازمند است، اما خود را در موقعیتی می‌بیند که بتواند امتیازاتی فراتر از مذاکرات در دوره روحانی به دست آورد. یعنی نه فقط در دور جدید مذاکرات، بحثی از مذاکره بر سر موشک‌ها و مسائل منطقه‌ای در میان نباشد، بلکه تمام تحریم‌ها از جمله تحریم‌های مرتبط با تروریسم و حقوق بشر برچیده شوند و رسماً پذیرفته شود که جمهوری اسلامی غنی‌سازی تا سطح ۶۰ درصد و استفاده از سانتریفیوژهای جدید و پیشرفته‌تر را داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران دو کارت برنده نیز در دست دارد. از یک طرف از نظر فنی تا به آن حد در غنی‌سازی اورانیوم پیشرفت کرده است که در آینده‌ای نزدیک می‌تواند بمب اتم بسازد. از نظر سیاسی نیز خود را در مقابل آمریکا به‌ویژه پس از ماجرای واگذاری افغانستان به طالبان و خروج مقتضحانه ارتش آمریکا در موقعیت بهتری می‌بیند. علاوه بر این، اکنون بیش از هر زمان دیگر از حمایت اقتصادی و سیاسی روسیه و چین برخوردار است. بنابراین گرچه از نظر سیاسی هر گونه

مصوبه شورای حکام را به نفع خود نمی‌بیند، اما اطمینان دارد که حتی با فرض ارجاع پرونده به شورای امنیت اتفاق خاصی رخ نخواهد داد. باین‌همه این واقعیت به اعتبار خود باقی است که جمهوری اسلامی نیاز فوری به لغو تحریم‌ها دارد و خواستار برافزاندن هرچه سریع‌تر تحریم‌هاست. اما فوریت حل نزاع بر سر برجام برای دولت آمریکا نیز جدی است. باین‌علاوه بر اختلافات داخلی بر سر این مسئله، زیر فشار سیاسی از سوی متحدین منطقه‌ای خود قرار دارد تا به نحوی جلو خطر هسته‌ای جمهوری اسلامی را بگیرد. نگرانی آن‌ها البته از مسلح شدن جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای نیست، چون هیچ دولتی و کشوری امروزه نمی‌تواند از سلاح هسته‌ای استفاده کند، مگر آن‌که خودش نیز نابود شود. نکته مهم این است که چنین اقدامی می‌تواند توازن سیاسی موردنظر آن‌ها را در خاورمیانه برهم بزند. در میان قدرت‌های امپریالیست نیز اختلاف بر سر برجام و تحریم‌های آمریکا وجود دارد. گرچه دولت آمریکا در جریان مذاکره برای احیای برجام از حمایت اتحادیه اروپا برخوردار است، اما زیر فشار اتحادیه اروپا نیز قرار دارد که خواستار حل فوری‌تر نزاع و برچیده شدن تحریم‌ها برای صدور سرمایه و کالا به ایران و مقابله با تصرف بازار سودآور ایران توسط چین است. رئیس شورای اروپا در گفتگوی اخیر با رئیس‌جمهور ایران در همان حال که بر از سرگیری مذاکرات تاکید داشت اما هم‌زمان بر علاقه جدی اتحادیه اروپا برای تقویت روابط دوجانبه و گسترش همکاری‌های اقتصادی با ایران تاکید نمود و گفت: تحریم‌ها تأثیر نامطلوبی بر روابط اتحادیه اروپا و ایران باقی گذاشته‌اند. اتحادیه اروپا مایل است شریک صادق ایران بماند تا ثبات بیشتری را در منطقه شاهد باشیم.

چین نیز تقریباً یک چنین موضعی دارد. می‌خواهد تحریم‌ها برچیده شوند تا بتواند بدون محدودیت مناسبات اقتصادی خود را با جمهوری اسلامی بسط دهد و سرمایه و کالاهای چینی را به ایران صادر کند. در این میان موضع روسیه متفاوت از تمام قدرت‌های جهانی است. روسیه تنها قدرتی است که ادامه این مناقشه را از نظر سیاسی به نفع خود می‌داند و کتمان نکرده است که از موضع جمهوری اسلامی حمایت می‌کند. اما در همان حال به‌عنوان عضوی از شورای امنیت که گویا پاسداری از صلح و ثبات جهانی را بر عهده دارد، چنین وانمود می‌کند که خواهان حل این مسئله است و کشادار شدن مذاکرات را مانعی بر سر راه حل مسئله می‌داند.

معاون وزارت خارجه روسیه اخیراً در گفتگو با خبرنگاری تاس گفت: "ما یقیناً نگران پیشرفت سریعی هستیم که در توانمندی‌های هسته‌ای ایران مشاهده می‌شود. اما نگرانی روسیه به این معنا نیست که ایران تعهدات خود در قبال معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان پی تی) یا پادمان‌های توافق با آژانس را نقض کرده باشد زیرا مفاد این اسناد هیچ محدودیتی علیه ایران وضع نمی‌کند و در خصوص شفافیت اقدامات ایران نیز اطمینان داده شده است. اما از نظر بازگشت به برجام، وضعیت در حال پیچیده‌تر شدن است زیرا ایران (با انجام فعالیت‌های هسته‌ای و کاهش تعهدات برجامی) در حال فاصله گرفتن بیشتر از

گر به تنگ آیند، به جنگ آیند



به این ترتیب طی کمتر از یک ماه، اعتراضات و حقیقتی زنان از سوی بر حجاب دهشت طالبانی ترک انداخت؛ از سوی دیگر به شایعات و گمانه زنی درباره تغییر طالبان پایان داد. چرا که پیش‌بینی می‌شد طالبان برای تحکیم موقعیت داخلی و جلب حمایت بین‌المللی خواهد کوشید مدتی کوتاه چهره‌های "مقاوت" از خود به نمایش بگذارد، اما سرکشی شجاعانه زنان، ناگزیرش ساخت تا نقاب "تغییر" از هم بدرد و به تهدید و ضرب و شتم زنان و روزنامه‌نگارانی روی آورد که از اعتراضات زنان گزارش تهیه می‌کردند. واقعیتی که بسیاری از فعالین زنان بارها پیش از این بر آن تأکید کرده بودند. از جمله یکی از زنان کنشگر افغان که در مصاحبه‌ای گفته بود: "آنها در این مدت زنان و مردان زیادی را به جرم زن بودن، فعال مدنی و حقوق بشر بودن کشته‌اند. به جرم هزاره بودن دختر مدرسه‌ای‌ها را کشتند. واقعا چطور می‌توانیم بگویم آنها تغییر کرده‌اند."

اما هشدارهای فعالین حقوق زنان و گزارش‌های منتشر شده و کارنامه ارباب و قتل و ترور طالبان در تمامی بیست سال گذشته، حتا رویدادهای هفته‌های اخیر، مانع از آن نشد که سران سیاسی آمریکا و اروپا و حتا مقامات نهادهای بین‌المللی از دل بستن به "تغییر" طالبان و انتظار برای "برآورد تغییرات" و "لزم گفتگو" دست بشویند. چرا که آنها به وعده‌های دیگر طالبان دل بسته‌اند. به تمایل طالبان به برقراری روابط اقتصادی و ایجاد امکانات سرمایه‌گذاری‌های خارجی با پایان جنگ داخلی و برقراری "امنیت" طالبانی بر کشور. وعده‌ای که تحقق آن با مخالفت‌های مردم آینده‌ای ناروشن در پیش دارد.

صحبت از دستاوردهای زنان افغانستان در ۲۰ سال گذشته بسیار است. اما واقعیت آن است که پیشرفت‌های کنونی زنان ناشی از ۲۰ سال اشغال افغانستان توسط دولت‌های امپریالیست غرب نیست. جنبش زنان افغانستان سابقه‌ای صد ساله با فراز و فرودهای بسیار دارد. از آنجایی که مجال مرور این تاریخ صد ساله نیست، همین قدر کافی است اشاره شود که با قدرت‌گیری هر نیروی اسلام‌گرا، به رغم تفسیرهای متفاوت مذهبی، همواره این زنان بوده‌اند که اولین قربانی قوانین اسلامی و شریعت گشته‌اند. برای نمونه تنها در دوره طالبان نبود که دسترسی زنان به تحصیل و کار محدود گشت، بلکه در پی برقراری حاکمیت "مجاهدین" در سال ۱۳۷۱، و در زمان برهان‌الدین ربانی بود که با صدور فتوایی محدودیت‌هایی بر سر راه تحصیل و کار زنان برقرار شد. تسلط طالبان بر افغانستان در پی سقوط دولت مجاهدین، تنها دامنه این

گردهمایی‌های زنان، مردم شهرهای مختلف در مخالفت با طالبان و دخالت پاکستان در امور داخلی این کشور به خیابان‌ها آمدند.

۲۶ اوت (۴ شهریور) ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، زنان را تهدید کرد و از آنان خواست در خانه بمانند، "چون شبه‌نظامیان هنوز آموزش کافی ندیده‌اند و نمی‌توان برای حسن رفتار آنها با زنان تضمین داد." بهانه‌ای که پیش از این نیز طالبان با توسل به آن زنان را از جامعه حذف کرده بود.

۲۹ اوت (۷ شهریور) خبرگزاری "پژواک" افغانستان از ممنوعیت پخش موسیقی و حضور زنان مجری در شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی قندهار خبر داد. خلف وعده طالبان تنها به رعایت حقوق زنان محدود نشد.

روز ۳۱ اوت (۱۰ شهریور) صد‌ها تن در کابل در اعتراض به دخالت پاکستان در امور افغانستان دست به تجمع زدند. زنان نیز در صف اول این اعتراضات حضور داشتند. طالبان با شلیک گلوله کوشیدند معترضان را مرعوب سازند و تعدادی از خبرنگاران را نیز بازداشت کردند. چند ساعت بعد خبرنگاران با پیکرهای در هم کوفته بر اثر ضرب و شتم و کبود از اثر شلاق‌ها آزاد شدند. تعدادی نیز کشته شدند.

روز ۲ اوت (۱۱ شهریور) با اعلام کابینه طالبان، شماری از زنان هرات به اعتراض برخاستند.

۸ سپتامبر (۱۷ شهریور) با وجود تیراندازی‌های شدید در تظاهرات روز قبل در کابل، بار دیگر زنان و مخالفان طالبان به خیابان‌ها آمدند. نیروهای طالبان به زنانی که فریاد "آزادی، آزادی" سر داده بودند حمله کرده و آنان را به باد شلاق و چوب گرفتند. اعتراضات و تظاهراتی که محدود به کابل نبود، بلکه در چندین شهر در روزهای مختلف به وقوع می‌پیوستند.



طالبان که از شوک ناشی از حیرت اولیه خارج شده بود و دریافت که زنان از حقیقتی دست نخواهند شست، برگزاری هر گونه تظاهراتی را غیرقانونی، آشوب‌گری و "فتنه" خواند و ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور) وزارت داخله افغانستان طی بیانیه‌ای انجام تظاهرات را "تحت هر نام و عنوانی" ممنوع اعلام کرد و رعایت شرایط "قانونی" را الزامی دانست. این طرز تلخ تاریخ است، تروریست‌هایی که بدون رعایت هیچ معیار اخلاقی و انسانی سال‌های متمادی مردم را هدف ترورهای خود قرار داده و هزاران زن و مرد و کودک غیرنظامی را به خاک و خون کشیده‌اند، اکنون از اعتراضات "قانونی" سخن می‌گویند.

را نیز از اعتبار انداخت. روز ۱۵ اوت (۲۴ مرداد) با ورود طالبان، ترس و اضطراب بر کابل مستولی گشت. هراسی نه تنها ناشی از دیده‌ها و شنیده‌های مردم درباره دوران دهشت‌بار سلطه طالبان، بلکه حاصل عملکرد ۲۰ ساله‌ی این گروه بی‌رحم در ترور، بمب‌گذاری که کشتار و ناامنی را به بخشی از زندگی روزمره مردم بدل کرده بود. در نتیجه از همان ساعات اولیه، بسیاری از مردم خیابان‌ها را به نیروهای مسلح طالبان واگذاشته و در خانه‌ها پناه گرفتند. به ویژه گزارش‌ها حاکی از آن بود چهره شهر از زنان



پاک شده است. در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ که طالبان بر افغانستان مسلط بود، زنان نه تنها از حق کار و تحصیل محروم بودند، بلکه تنها پوشیده در برقع و چادر و روبنده و در همراهی با مرد محرم اجازه خروج از خانه را داشتند. قوانینی که تخلف از آنها مجازات‌های شدیدی در پی داشت.

بنابراین پیش‌بینی می‌شد که زنان از حضور در خیابان‌ها حداقل برای مدتی خودداری کنند. اما این پیش‌بینی نیز تحقق نیافت. هنوز دو روزی از حضور نیروهای مسلح طالبان در شهر نگذشته بود که روز ۱۷ اوت (۲۶ مرداد) تعدادی از زنان بدون چادر و روبنده با پلاکاردهایی در دست در برابر کاخ ریاست جمهوری گرد آمدند و خواستار حفظ دستاوردهای حقوق زنان از جمله حق تحصیل، مشارکت سیاسی و کار شدند. طالبان که چنین انتظاری نداشتند، در برابر این حرکت اولیه حیرت‌زده شدند. چرا که نام طالبان با اعدام و شکنجه و سنگسار و قطع دست و پا گره خورده بود و کمتر کسی در قلمرو این گروه جسارت سرکشی داشت. در نتیجه، این حرکت شجاعانه به یکباره جو ارباب ناشی از حضور طالبان را در هم شکست.

این زنان، معدودی از بسیار زنانی بودند که وعده‌های سخنگویان طالبان مبنی بر تغییر و رعایت حق زنان در تحصیل و کار در چارچوب شریعت را باور نکرده بودند. چرا که جدا از آشنایی با "چارچوب شریعت" طالبان، در جریان پیشروی این گروه، گزارش‌های متعددی از ممانعت طالبان از خروج زنان از خانه، اخراج خشونت‌بار زنان از محل‌های کار و دانشگاه‌ها منتشر شده بود.

در روزهای بعد باز زنان، هر بار پر شمارتر در شهرهای مختلف به تظاهرات خیابانی پرداختند. همراه با اعلام کابینه و حذف زنان از ارگان‌ها و نهادهای دستگاه دولتی شماری از زنان در هرات تظاهرات کردند. در کنار تظاهرات و

گر به تنگ آیند، به جنگ آیند

چالش‌های جدید احیای برجام

موضوع توافق برجام است. وی همچنین نسبت به برخی سیگنال‌های ارسالی از جانب واشنگتن و پایتخت‌های غربی مبنی بر ضرورت استفاده از اهرم‌های سیاسی علیه تهران برای وادار ساختن آن به بازگشت به برجام، ابراز نگرانی کرد و این نوع رویکرد غرب را اشتباه دانست.

بنابراین گویا نگرانی روس‌ها پیچیده‌تر شدن مذاکرات است و از همین رو معاون وزیر خارجه روسیه خواستار آن شده است که به جمهوری اسلامی فشار وارد نشود. در واقعیت اما روسیه در پی منافع سیاسی خود در خاورمیانه است و هر چه این ماجرای برجام و مذاکرات حول آن پیچیده‌تر شود، روسیه تنها کشوری است که از آن سود می‌برد. در گفته‌های معاون وزیر خارجه روسیه اما یک حقیقت نیز وجود دارد. پیشرفت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و شرط و شروط جدیدی که در پی تحقق آن هست، مذاکرات احیای برجام را پیچیده‌تر کرده است. باین‌وجود هر آنچه هم که این مذاکرات پیچیده و کشدار شوند، طرفین اصلی نزاع که جمهوری اسلامی و دولت آمریکا هستند، هیچ راهی جز مذاکره و بده و بستان برای رسیدن به توافق که خواست هر دو طرف است، ندارند. از این رو، گفتگوها نیز به‌زودی از سر گرفته خواهد شد.

اسلامی کشور همسایه را ندارند. چرا که خود طالبانی دیگر است با همان دیدگاه و رویکرد به زنان. از همین روست که مخالفت مردم ایران با طالبان را به درستی مخالفت با خود تفسیر می‌کند.

زنان افغانستان در طی ۲۰ سال گذشته بسیاری از دستاوردهای خود را، حتی آن هنگامی که هیئت قانونی گرفته بودند، در نبردی روزمره با نظام مردسالار و فرهنگ ارتجاعی مذهبی و مردسالارانه به دست آورده‌اند و نه به علت تشکیل "ان جی او"ها و اجرای پروژه‌های نمایشی در ویترین‌های پرزرق و برق. آنان سالیان مدید در برابر مقاومت و مخالفت رهبران مذهبی و سیاسی مرتجع، فاسد و زن‌ستیز و جامعه مردسالار ایستادند و به همت توان خود تحصیل کرده و در بازار کار مشارکت کردند. تا به همین جا، آنان با جسارتی بی‌نظیر در برابر طالبانی که نیروهای امنیتی و نظامی و رئیس جمهور و سران سیاسی را به هزیمت واداشت ایستاده‌اند و عرصه خیابان را به طالبان واگذار کرده‌اند. این که در آینده مبارزات زنان در برابر طالبان دامنش چه اشکال و سمت و سوی به خود بگیرد، امری است که باید در آینده شاهد آن بود اما تا همین جا نیز نشان داده‌اند "گر به تنگ آیند، به جنگ آیند".



طولانی جنگ‌های داخلی و ترورها بسیاری از زنان را بی‌سرپرست کرده است و تأمین معاش خانواده را بر دوش آنان گذاشته است، از اهمیت بیش‌تری برخوردار می‌گردد. زنانی که بدون کار امکان ادامه زندگی و تأمین معیشت خود و خانواده‌شان را نخواهند داشت. به فرض اجازه کار، بدون تحصیل، از دستیابی به مشاغل تأمین‌کننده‌ی معاش خود محروم خواهند شد. همچنین زنانی که بدون برخورداری از آزادی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، بسیاری از حقوق‌شان را از دست خواهند داد.

اگر اعتراضات زنان را در متن دهشت طالبانی، فقر گسترده، جامعه مردسالارانه و مذهبی افغانستان قرار دهیم، برجستگی و جسارت مبارزه کنونی فعالین زن را درمی‌یابیم. زنانی که تنها برای حفظ حقوق خود به میدان مبارزه قدم نگذاشته‌اند، بلکه از حقوق میلیون‌ها زن و کودکی دفاع می‌کنند.

از مسایل مطرح دیگر این روزها در افغانستان، تشکیل "دولت همه‌شمول" است. امری که نه تنها سران سیاسی افغانستان بلکه کشورهای منطقه و حتی دولت‌های غربی نیز بر آن تأکید دارند تا از خطر رقابت میان جنگ‌سالاران و بروز جنگ داخلی بکاهند. اما زنان در تعریف هیچ یک از آنان از "دولت همه‌شمول" جایی ندارد. دولت‌های غربی به خوبی به ماهیت دولت طالبانی یا هر دولت مذهبی دیگر در ائتلاف با طالبان و "جایگاه زنان" در چنین دولت‌هایی واقف‌اند. چنانچه جنگ‌سالاران و سیاستمداران پیشین افغانستان و طالبان بر سر "دولت همه‌شمول"، تشکیل دولتی است با مشارکت خودشان؛ یعنی تمامی دسته‌جاتی که در دهه‌های گذشته در فرو بردن این کشور در گنداب کنونی نقش داشته‌اند. آنان نیز همگی بر سر کنار گذاشتن زنان از این "دولت همه‌شمول" توافق دارند و حاضر به هر گونه معامله‌ای بر سر آن هستند، چنان که در معاملات تسلیم قدرت به طالبان، نه فعالین واقعی حقوق زنان مشارکتی داشتند و نه اصولاً حقوق زنان در گفتگوها جایی داشته است. در این میان نباید از نقش کشورهای مرتجع منطقه غافل شد که هر یک از جناحی در میان طالبان و جنگ‌سالاران حمایت می‌کنند. کشورهایی که حتی پیش از قدرت‌گیری طالبان به نوعی آن‌ها را با دعوت و مذاکره به رسمیت شناخته بودند و احتمالاً طالبان نیز وعده‌هایی به آن‌ها داده بودند. جمهوری اسلامی یکی از این کشورهاست. سران این رژیم در برقراری روابط حسنه با طالبان چنان عجز دارند که حتی تاب تحمل مخالفت افغانستانی‌های مقیم ایران و مردم با امارت

محدودیت‌ها را تا جایی گسترده که زنان را به کنج خانه‌ها راند.

باز در روند توافق آمریکا با طالبان و در روند معاملات بعدی بین سیاستمداران افغانستانی و گروه طالبان تنها موضوع غایب، حقوق زنان و دستاوردهای آنان بوده است. اکنون نیز پس از تسلیم قدرت به طالبان، اظهارات و عملکرد مقامات مختلف سیاسی و نهادهای بین‌المللی تأییدگر این ادعاست. سیاستمداران و مسئولان نهادهای بین‌المللی که از وضعیت زنان در کشورهای زیر سلطه دولت‌های اسلام‌گرا آگاه‌اند و از آن مهم‌تر، دوران سلطه طالبان و عملکرد این گروه ارتجاعی تروریست را طی سالیان گذشته شاهد بوده‌اند، اکنون برای توجیه مماشات و سازشکاری با واپس‌گراترین نیروی اسلام‌گرا به ریسمان پوسیده وعده‌ها و ادعاهای طالبان متوسل شده‌اند. برای نمونه مصطفی بن مسعود، رئیس عملیات میدانی یونیسف، در یک نشست خبری سازمان ملل متحد گفت، به همکاری با مقامات طالبان خوشبین است و حمایت آنها از آموزش دختران را به عنوان دلیل خوشبینی خود ذکر کرد. سران دولت‌های غربی در شتاب‌اند هر چه زودتر باب "گفتگو" با طالبان را باز کنند تا بر سر "مسائل" مختلف از جمله "حقوق زنان" با



آن‌ها تعامل کنند! وزیر امور خارجه آلمان اعلام کرده است، این کشور در نظر دارد سفارت خود در کابل را باز کند، البته بدون به رسمیت شناختن امارت اسلامی طالبان! فرستاده ویژه سازمان ملل در امور افغانستان به کشورهای عضو شورای امنیت پیشنهاد می‌کند، دارایی‌های بلوکه شده این کشور به افغانستان فرستاده شود، البته با این اطمینان که طالبان در موارد "نادرست" از آنان استفاده نکنند! و در برابر رویدادهای هفته‌های گذشته و عملکرد طالبان در عرصه رعایت حقوق زنان و آزادی بیان از ابراز "نگرانی" کوتاهی نمی‌کنند! واقعیت تلخی که زنان افغانستان نیز دریافته‌اند. آنان در یکی از تجمعات خود پلاکاردی در دست داشتند که بر روی آن نوشته بود: "دنيا چقدر بی‌رحمانه تماشايمان مي‌کند."

مدیر بخش آسیا و اقیانوسیه برنامه توسعه سازمان ملل روز ۱۰ سپتامبر (۱۹ شهریور) اعلام کرد در حال حاضر ۷۲ درصد از جمعیت افغانستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند و احتمال می‌رود تا اواسط سال ۲۰۲۲، این خطر فقر ۹۷ درصد جامعه را در کام خود فرو برد. فقری که اولین قربانیان آن زنان هستند. از این‌رو، مطالبه‌گری زنان در زمینه کار، تحصیل و مشارکت سیاسی و آزادی، هم حق مسلم آنان است و هم در کشوری فقرزده که سال‌های

مسکن‌سازی روی هوا

وزیر راه و شهرسازی و کل کابینه رئیسی و مجلس قالیباف حامی وی چگونه می‌خواهند آن را در عمل اجرا کنند.

هرکس این را می‌داند که احداث یک‌میلیون واحد مسکونی در سال در عین حال نیازمند میلیون‌ها تن سیمان، گچ، آجر، میل‌گرد، تیرآهن و سایر مصالح ساختمانی است که هیچ برنامه‌ای برای تولید و تهیه آن نیز وجود ندارد. البته در نهایت ممکن است اینجا و آنجا با چیدن آجر روی هم ساختمانی را سرهم‌بندی کرد و در بهترین حالت اماکنی را به شیوه مسکن مهر احمدی‌نژاد وسط بیابان بی آب و علف برپا کرد. اما مسکن فقط چیدن آجر روی هم نیست. مسکن فقط گچ و سیمان و آهن نیست. آب، برق، راه، حمل‌ونقل، اینترنت، تلفن، مدرسه بیمارستان، فروشگاه و غیره نیز از نیازهای اصلی و زیرساخت‌های مسکن هستند که برای آن نیز باید برنامه داشت و هزینه کرد. اما این زیرساخت‌ها و هزینه‌ها نیز در برنامه وزیر راه و شهرسازی و پروژه مسکن‌سازی وی جایی ندارند.

مسکن را باید روی زمین ساخت. یک‌میلیون واحد مسکونی به ازای هر واحد ۷۵ مترمربع، به ۷۵ میلیون مترمربع زمین نیاز دارد. حتی اگر هر ساختمان چهار طبقه شامل چهار واحد مسکونی باشد سالانه به ۱۸ میلیون و ۷۵۰ هزار مترمربع زمین نیاز هست که هنوز معلوم نیست این زمین‌ها کجا هستند؟ تازه بعد از جلسه به اصطلاح تخصصی کمیسیون عمران مجلس با حضور وزیر راه و شهرسازی، سخنگوی این کمیسیون روز ۱۶ شهریور اعلام کرد: "با توجه به اهمیت تأمین زمین برای ساخت سالانه یک‌میلیون واحد مسکونی، وزارت راه و شهرسازی برنامه‌ای طراحی کرده تا ظرف مدت دو ماه زمین‌های لازم برای ساخت این تعداد واحد مسکونی در کل کشور شناسایی شود."

بنابراین ماجرای مسکن‌سازی یک‌میلیونی رستم قاسمی و رئیسی رئیس وی نه فقط از این بابت که بودجه و منبع مالی برای اختصاص به این پروژه مشخص نیست، روی هواست و نه فقط از این جهت که برنامه‌ای برای تولید و تهیه سیمان و گچ و آجر و میل‌گرد و تیرآهن و سایر مصالح ساختمانی وجود ندارد و حرفی از زیرساخت‌های آن در میان نیست، روی هواست، بلکه از این بابت که هنوز اساساً زمینی نیست که روی آن ساخت‌وساز و ساختمان‌سازی شود نیز حقیقتاً روی هواست. و گرنه هرکس این را متوجه هست که ساختن یک‌میلیون واحد مسکونی در سال، معنایش این است که در ۴۰ روزی که از این وعده گذشته باید ۱۱۱ هزار واحد مسکونی ساخته می‌شد که همه می‌دانند چنین نشده است. بهرغم تمام این‌ها حتی اگر مسکنی ساخته و تولید شود، روشن است که نه مشکل مسکن و اجاره‌نشینی حل خواهد شد و نه روند فزاینده

اما این ادعا با توجه به بحران و مجموعه شرایط اقتصادی، به‌ویژه نامشخص بودن منبع مالی برای احداث سالانه یک‌میلیون مسکن، چنان بی‌پایه و توخالی است که حتی انتقاد اصول‌گرایان و خودی‌ها از جناح حاکم را نیز در پی داشته است. اولی‌ترین و مهم‌ترین شرط احداث یک‌میلیون مسکن در سال، منبع مالی آن است که در طرح وزیر رئیسی مشخص نیست هزینه این طرح از کجا و چگونه قرار است تأمین شود. مطابق برآورد کارشناسان دولتی و حتی کارشناسان وابسته به جناح حاکم، ساخت یک‌میلیون مسکن بین ۳۷۵ تا ۵۰۰ هزار میلیارد تومان هزینه دارد. هنوز روشن نیست که این هزینه چطور باید تأمین شود. از مطالب انتشار یافته در رسانه‌های حکومتی این‌طور برمی‌آید که کابینه رئیسی و وزیر راه و شهرسازی برای اجرای این طرح روی دو گزینه حساب باز کرده‌اند. گزینه اول، دولت است که قاعدتاً بایستی تأمین‌کننده اصلی منبع مالی این پروژه بزرگ باشد. اما دولت خود با کسری شدید بودجه روبروست. دولت در حال حاضر حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه دارد. این کسری حتی در صورت برطرف شدن مشکلات فعلی فروش نفت و کسب درآمد صادراتی دولت از این محل نیز برطرف نمی‌شود. بنابراین دولت نمی‌تواند منابع مالی به این پروژه اختصاص دهد. گزینه بعدی بانک‌ها هستند. اما بانک‌ها نیز در چنین موقعیتی نیستند و رغبتی به این کار ندارند. چراکه در قبال وام بانکی، چشم‌اندازی برای بازگشت وام و بهره مورد نظر ندارند. بانک‌ها در شرایط فعلی تمایلی بلندمدت در بخش مسکن اختصاص دهند. اگر دولت بخواهد به منابع بانک مرکزی متوسل شود و خطوط اعتباری جدیدی باز کند، معنایش تورم بیشتر و در عین حال افزایش بیشتر قیمت‌ها و هزینه‌ها است و در نتیجه مسکنی که قرار بود ۵۰۰ میلیون تومان هزینه بردارد، در ظرف چهار سال این هزینه افزایش یافته و حتی ممکن است چند برابر شود. در آن حالت نه وام‌گیرنده توان پرداخت وام را دارد و نه منبع مالی هست که در اختیار پروژه قرار گیرد.

شاید کابینه رئیسی و مجلس بخواهند از طریق تحت‌فشار گذاشتن بانک‌ها راحلی جستجو کنند. محمود شایان مدیرعامل بانک مسکن در مورد تسهیلات بانکی برای تولید سالانه یک‌میلیون واحد مسکونی می‌گوید: "دولت سیزدهم با تأکید بر ساخت یک‌میلیونی مسکن در هر سال، تلاش زیادی برای هماهنگ کردن سیستم بانکی برای تخصیص تسهیلات دارد" وی در ادامه می‌گوید: "تکلیف مجلس این است که ۳۶۰ هزار میلیارد تومان توسط سیستم بانکی به بخش مسکن اختصاص یابد. این رقم به ۱۹ بانک خصوصی و دولتی تقسیم‌شده که مکلف به پرداخت آن هستند".

این اما فعلاً در حد یک حرف است و باید دید

اجاره مسکن مهار خواهد شد. با توجه به افزایش مداوم قیمت زمین و چند برابر شدن قیمت مصالح ساختمانی، قیمت تمام‌شده مسکن بسیار بالاتر از توانایی اجاره‌نشین‌ها و بی مسکن‌ها است. قیمت مسکن از سال ۹۷ تاکنون شش تا هفت برابر افزایش داشته و طبق آمار بانک مرکزی طی یک دهه اخیر ۱۷ برابر شده است. از طرف دیگر درآمد واقعی خانوارها طی یک دهه گذشته حداقل ۲۰ درصد کاهش پیدا کرده است. اکثریت قریب به اتفاق اجاره‌نشین‌ها که شمار آن‌ها روز به روز در حال افزایش است قادر به پس‌انداز لازم برای دریافت اعتبار و وام و تسهیلات مسکن نیستند. مطابق سرشماری‌های مرکز آمار، سال ۷۵ حدود ۱۵ درصد از خانواده‌ها اجاره‌نشین بودند. این نسبت در سال ۸۵ به حدود ۲۳ درصد، سال ۹۰ به ۲۷ درصد و در سال ۹۵ به ۳۱ درصد رسیده و به همین سبب در سال ۱۴۰۰ به ۳۵ درصد افزایش یافته است. در حال حاضر بیش از ۲۰ درصد مردم دچار بد مسکنی هستند. بسیاری از مردم زحمتکش به خاطر شرایط و فشارهای اقتصادی، خانه‌های خود را فروخته و خانه‌های ارزان‌قیمت‌تر و با کیفیت پائین تری خریدند یا به کلی به‌صفت اجاره‌نشین‌ها پیوسته‌اند.

دولت حاکم و وزارت راه و شهرسازی آن البته سعی خواهند کرد تحت عناوین گوناگون مانند کمک و مساعدت به بی مسکن‌ها و توسعه مسکن و غیره، اندک پول برخی اقشار را که هنوز پس‌انداز اندکی دارند یا می‌توانند وارد این بازی شوند، به ربایند و یکسره بالا بکشند. گفته‌شده وام مسکن جوانان به ۴۰۰ میلیون تومان افزایش پیدا کرده است. مدیرعامل بانک مسکن ضمن اعلام این خبر می‌گوید: "متقاضیان مسکن می‌توانند با افتتاح حساب مسکن جوانان ماهیانه ۲۰۰ هزار تومان واریز کنند تا بعد از ۱۵ سال یک وام یک‌میلیاردی دریافت کنند." او اما نمی‌گوید قیمت مسکن در ده سال اخیر ۱۷ برابر شده و اگر اوضاع به همین منوال باشد در ۱۵ سال آینده بیش از بیست برابر خواهد شد و مسکنی که امروز ۵۰۰ میلیون تومان است به ۱۰ هزار میلیون تومان (۱۰ میلیارد تومان) می‌رسد و با یک میلیارد وام بانک مسکن نمی‌توان مسکن تهیه کرد.

در حال اما ساخت سالانه یک‌میلیون واحد مسکونی زمینه و موقعیت مناسب دیگری است که افراد و باندهای حکومتی غارت و دزدی و چپاول دیگری را سازمان دهند. آقازاده‌ها، مدیران رده‌بالای دولتی، نمایندگان مجلس، وزرا و شرکت‌های دولتی یا پیمانی و خصوصی برای چنین غارت بزرگی خود را آماده نموده‌اند. بنا به اظهارات سخنگوی کمیسیون عمران مجلس، هم‌اکنون توافق‌نامه‌هایی به‌منظور ساخت ۴۰۰ هزار واحد مسکونی توسط بنیاد مسکن، ۲۰۰ هزار واحد مسکونی توسط کمیته امداد و در همکاری با قرارگاه خاتم‌الانبیاء تنظیم‌شده است. سایر نهادها و باندها نیز به‌صفت شده‌اند. رستم

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

پشت پرده حملات توپخانه ای و هوایی جمهوری اسلامی به اقلیم کردستان

قرار گرفت. تداوم این حملات در ابعادی کوچکتر، برای چند روز متوالی ادامه یافت و توپخانه های سپاه پاسداران که در شهرهای اشنویه و پیرانشهر مستقر هستند، روز جمعه ۱۹ شهریور نیز به مدت نیم ساعت ارتفاعات مرزی اقلیم کردستان عراق را زیر آتش سنگین توپباران خود گرفتند.

از تلفات جانی این حملات تاکنون خبری منتشر نشده، اما گزارش ها حاکی از آن است که خسارات مالی فراوانی به ساکنان این مناطق وارد شده است. همزمان با این حملات، شهرهای مرزی کردستان ایران نیز با حضور پر شمار نیروهای نظامی جمهوری اسلامی همراه بوده و خطوط تلفن و اینترنت نیز در این مناطق به شدت دچار اختلال شدند.

این اولین بار نیست که شهرها و مناطق مرزی کردستان عراق مورد حملات هوایی و زمینی جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. هیئت حاکمه ایران طی دهه های متعددی از هیچ اقدامی برای سلب آسایش و امنیت مردم کردستان عراق کوتاهی نکرده است. به توپ بستن مناطق مرزی، موشک باران مقر احزاب اپوزیسیون و انجام عملیات تروریستی علیه نیروهای آنان بخشی از اقدامات جنایتکارانه جمهوری اسلامی علیه احزاب اپوزیسیون و مردم منطقه کردستان عراق طی سال های گذشته بوده است. طی این مدت، بویژه در پنج سال گذشته مناطق مرزی اقلیم کردستان عراق و حتی شهرهای مرکزی آن که مقر اصلی احزاب کردستان ایران است، به دفعات و بعضاً در ابعادی وسیعتر از حملات دو روز اخیر، زیر آتشبار توپخانه ای، موشکی، پهبادی و حتی تجاوز جنگنده های هوایی جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. حملات پهبادی و موشکی همراه با اقدامات تروریستی سپاه پاسداران طی سال های گذشته، منجر به کشته شدن صدها تن از اعضای و کادرهای احزاب اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی ایران و نیز ویرانی بخش های وسیعی از مزارع و مناطق مسکونی اقلیم کردستان عراق شده است.

بارزترین نمونه آن، حملات موشکی سپاه پاسداران در ۱۷ شهریور ۱۳۹۷ است. حمله ای مرگبار، که با شلیک ۷ موشک فاتح ۱۱۰ به اردوگاه حزب دمکرات کردستان ایران در کوی سنجد واقع در استان اربیل کردستان عراق صورت گرفت و طی آن دست کم ۱۷ نفر از کادرها و رهبران حزب دمکرات کشته شدند.

با این حال و به رغم اینکه حملات موشکی جمهوری اسلامی به مقر احزاب کردستان ایران در نوار مرزی و ارتفاعات اقلیم کردستان عراق امر تازه ای نبوده است، اما آنچه حملات روزهای اخیر را با حملات پیشین آن متمایز کرده است، همانا اعلام علنی پیش از انجام این حملات بود که توسط محمد پاکپور، فرمانده نیروی

زمینی جمهوری اسلامی اعلام شد. محمد پاکپور، روز دوشنبه ۱۵ شهریور، یعنی سه روز پیش از حملات فوق به هنگام بازدید از یگان ها و پاسگاه های واحدهای مرزی در کردستان، با اشاره به حضور نیروهای اپوزیسیون و احزاب کردستان ایران در خاک اقلیم کردستان عراق با صراحت اعلام کرد:

"ادامه این وضعیت برای ما قابل قبول نیست و پاسخ لازم" را به این گروه ها خواهیم داد. فرمانده نیروی زمینی جمهوری اسلامی، در ادامه با بیان اینکه به زودی "پاسخ قاطع و کوبنده" ای به احزاب اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق خواهیم داد، از ساکنان مناطق مرزی اقلیم کردستان خواست که از محل استقرار و "مقرهای" نیروها و احزاب کردستان ایران فاصله بگیرند تا "آسیبی متوجه آنان" نشود. محمد پاکپور همچنین با تاکید بر اینکه دولت عراق و اقلیم کردستان نباید به "تروریست ها" اجازه جولان و برپایی مقر در این سرزمین را برای تهدید و ایجاد ناامنی علیه ایران بدهند، تصریح کرد: "هرگونه کوتاهی و غفلت در این خصوص را مغایر حسن همجواری و روابط حسنه دو کشور می دانیم."

هنوز یک روز از تهدیدات محمد پاکپور نگذشته بود که "ریبین سلام" یکی از فرماندهان حزب دموکرات کردستان عراق نیز با اعلام موضعی همسو با فرمانده نیروی زمینی جمهوری اسلامی، خواهان بیرون رفتن احزاب کردستان ایران از اقلیم کردستان عراق شد. ریبین سلام، در گفتگو با بغداد الیوم، با تاکید بر اینکه، "این احزاب [احزاب کردستان ایران و ترکیه] منجر به ایجاد مشکلات و خطراتی برای مردم اقلیم شده اند، به ویژه اینکه مقرهای آنان داخل مناطق مسکونی شهروندان اقلیم کردستان است از آنان خواست اگر مطالباتی دارند باید اقلیم کردستان را ترک کنند و به کشورهای خود بروند، زیرا کردستان [عراق] نمی خواهد میدانی برای درگیری دیگر کشورها باشد و به دنبال خطرات بیشتر نیست". این فرمانده نظامی حزب دموکرات کردستان عراق، به صراحت "از احزاب کردی معارض ایران و ترکیه خواست که درگیری های خود را به خارج از منطقه اقلیم کردستان عراق" منتقل کنند.

با کنار هم گذاشتن تهدیدات فرمانده نیروی زمینی جمهوری اسلامی مبنی بر دادن "پاسخ قاطع و کوبنده" به اپوزیسیون مستقر در اقلیم کردستان و همناوی یکی از فرماندهان حزب دموکرات کردستان عراق با او، تا حدودی سیاست جمهوری اسلامی در مواجهه با نیروهای مخالف مستقر در اقلیم کردستان روشن شده است. اما این تمام ماجرا نیست.

با شرایط جدیدی که پس از خروج شتابزده ارتش آمریکا از افغانستان و نیز خروج تدریجی

نیروهای آن از عراق پیش آمده، به نظر می رسد هیئت حاکمه ایران دست کم تا این لحظه خود را پیروز این دو میدان نزاع منطقه ای می داند. این برآورد جمهوری اسلامی، مستثنی از اینکه وضعیت پیش آمده و روند تحولات آتی افغانستان و عراق به نفع جمهوری اسلامی باشد یا نباشد، هیئت حاکمه ایران بر آن شد تا اینبار حملات موشکی و پهبادی خود را به احزاب کرد ایرانی مستقر در اقلیم کردستان عراق نه به طور مخفیانه و در سکوت، بلکه به صورت آشکار و با تبلیغات از پیش اعلام شده انجام دهد.

روشن است این بی پروایی آشکار جمهوری اسلامی صرفاً با تکیه بر خروج نیروهای آمریکا از عراق و افغانستان نبوده، بلکه همسویی آشکار و پنهان بخشی از حاکمیت اقلیم کردستان نیز در اتخاذ این حملات دخیل بوده اند. پوشیده نیست در شرایط وخامت باری که جمهوری اسلامی در آن بسر می برد، در وضعیتی که بحران های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از هر سو رژیم را احاطه کرده اند و مضافاً اینکه، جامعه نیز از مدت ها پیش به یک دوران پر تلاطم انقلابی ورود کرده است، وجود یک اپوزیسیون مسلح، آنهم در همجواری کردستان ایران تا چه حد برای جمهوری اسلامی می تواند نگران کننده باشد. در چنین وضعیتی که جمهوری اسلامی خود را در موقعیت برتر منطقه ای می بیند، اعمال فشار بر اقلیم کردستان برای اخراج نیروهای اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق و یا دست کم خلع سلاح آنان می تواند یکی از راه کارهای اصلی سیاست جمهوری اسلامی در این بازه زمانی باشد.

اینکه جمهوری اسلامی و نیروهای قدس سپاه پاسداران نسبتاً در درون اتحادیه میهنی کردستان عراق نفوذ داشته و دارند، بر کسی پوشیده نیست. اکنون اما به نظر می رسد فرماندهانی از درون حزب دموکرات کردستان عراق نیز با جمهوری اسلامی هم صدا شده و خواهان خلع سلاح و اخراج احزاب کردستان ایران و ترکیه از اقلیم کردستان شده اند.

موضع گیری های آشکار فرماندهان نظامی اقلیم کردستان عراق در همسویی با موضع محمد پاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه جمهوری اسلامی، این گمانه زنی را پیش آورده است که جناح یا بخش هایی از حاکمیت اقلیم کردستان عراق نیز خواهان خروج نیروهای اپوزیسیون ایران از منطقه تحت پوشش اقلیم می باشند و یا در کمترین حالت خواهان خلع سلاح آنان هستند. اطلاع جمهوری اسلامی از اختلاف نظر درونی حاکمیت اقلیم کردستان بر سر ماندن یا اخراج نیروهای اپوزیسیون و نیز دادن ائنیتماتوم به ساکنان مناطق مرزی اقلیم کردستان که از محل استقرار و "مقرهای" نیروها و احزاب کردستان ایران فاصله بگیرند تا "آسیبی متوجه آنان" نشود، جملگی می تواند اراده جمهوری اسلامی در حمله به ارتفاعات مرزی و محل استقرار احزاب کردستان ایران را بیش از پیش تقویت کند. چرا که به زعم جمهوری اسلامی، حملات

در صفحه ۷

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

مسکن‌سازی روی هوا

است. شمار اجارمنشینان مدام بیشتر، قیمت مسکن و هزینه اجاره مسکن نیز پیوسته افزون‌تر شده است، به‌نحوی که هزینه اجاره مسکن در بسیاری از موارد ۸۰ تا ۱۰۰ درصد دستمزد و حقوق کارگران و زحمتکشان را می‌بلعد.

ارتجاع حاکم از همان نخستین روزهای حاکمیت خویش در همه‌ی زمینه‌ها با دروغ و ریا و فریب با مردم برخورد کرده است. آیت‌الله رئیسی و نوچه شارلاتان وی رستم قاسمی نیز در شمار همان شارلاتان‌های پیشین از قماش "آیت‌الله خسروشاهی" هستند. از نمد ایشان کلاهی برای مردم ساخته نشده و نخواهد شد. کسی در فکر مسکن مناسب برای کارگر و زحمتکش نیست. این حق هر کارگر و زحمتکش است که از یک مسکن مناسب برخوردار باشد. همه‌ی مردم ایران باید از مسکن مناسب برخوردار باشند. تحقق این خواست توده زحمتکش مردم نیازمند اجرای یک برنامه همه‌جانبه برای تولید انبوه مسکن است. مادام که مشکل مسکن به‌طور بنیادی حل نشده است، می‌توان اقدامات فوری زیر را به مرحله اجرا گذاشت: کلیه ساختمان‌های زائد دولتی به‌عنوان مسکن در اختیار زحمتکشان قرار گیرد. اجاره‌ها متناسب با سطح دستمزد کارگران تعیین شود و به مرحله اجرا درآید. به‌منظور کاهش هرچه بیشتر بار هزینه‌های مسکن، بخشی از هزینه مسکن کارگران و زحمتکشان، به‌عنوان یارانه توسط دولت پرداخت گردد. این‌ها و اقداماتی نظیر آن، از جمله اقداماتی هستند که در بیشتر کشورهای سرمایه‌داری غرب به مرحله اجرا درآمده‌اند. در رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی اما اوضاع به گونه دیگری است. واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی نغتنها گامی در راستای تأمین مسکن کارگران و زحمتکشان و بهبود وضعیت مسکن و اجاره‌ها به نفع آنان برنداشته بلکه خود مانع بزرگی بر سر راه هرگونه تغییر و بهبود اساسی در این زمینه است. لذا این اقدامات و ده‌ها اقدام فوری اجتماعی و رفاهی به سود توده‌های زحمتکش مردم زمانی می‌تواند به‌طور کامل به مرحله اجرا درآید که جمهوری اسلامی سرنگون و حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان مستقر شود.

قاسمی وزیر شهرسازی، خود در زمره دزدان بزرگ است و با نهادها و باندهای مختلف ارتباط نزدیک دارد. او از دزدان باسابقه و همدست بابک زنجانی است. قاسمی از نزدیکان و مدافعان و تقدیرکنندگان بابک زنجانی است. دکل حفاری ۶۰ میلیون دلاری زمانی که او وزیر نفت بود ناپدید شد. اسناد میلیاردها پولی که از محل فروش و قاچاق نفت به‌حساب بانکی وی در برزیل از طریق بانک‌های ترکیه منتقل شده افشاشده است. دست این دزد بزرگ شاید از منابع مالی بی‌حساب‌و‌کتاب و سرشار نفت کوتاه شده باشد در تقسیم غنائم اما از شرکای بزرگ است.

جمهوری اسلامی بیش از ۴۲ سال است به مردم وعده می‌دهد آن‌ها را صاحب مسکن می‌کند و هزینه‌های سنگین اجاره مسکن را از دوش مردم برمی‌دارد. ۴۲ سال پیش روزنامه کیهان آذر سال ۵۸ از قول "آیت‌الله خسروشاهی" از مقرران درگاه خمینی و رئیس بنیاد مستضعفین با تیتراژ بسیار درشتی نوشت: "خانه نخرید همه را صاحب‌خانه می‌کنیم". کیهان از قول این آیت‌الله نوشت: "ما سرگرم ساختن ساختمان‌هایی هستیم که پس از پایان در اختیار (مستضعفین) قرار می‌گیرد... در وهله اول هدفمان این است که هیچ خانه‌ای خالی نماند. به هر ترتیبی که باشد ترتیب ساکن شدن افراد فاقد خانه را در واحدهای مسکونی خالی می‌دهیم. طوری که حتی یک نفر در این کشور بی‌خانه نباشد. امیدواریم وضعیتی به وجود آوریم که مسکن مثل پیراهن شود یعنی همان‌طور که هرکسی یک پیراهن دارد یک‌خانه هم داشته باشد. مسئله مالک و مستأجر زایل شده روش حاکم بر جامعه گذشته ایران است. در صدر اسلام فقط کسانی که به مسافرت می‌رفتند محلی را برای سکونت خود اجاره می‌کردند. به همین دلیل ما کاری خواهیم کرد که اجاره‌مداری در این مملکت از میان برود."

همگان با این گفته‌ها و ادعاها و نظیر این‌ها که سال‌های بعداز آن نیز در اشکال گوناگون توسط مقامات و مسئولین حکومتی تکرار شده آشنایی دارند. همگان به چشم خویش دیده و با گوشت و پوست خود لمس نموده‌اند که اوضاع از جمیع جهات وخیم‌تر شده است. بحران مسکن و اجارمنشینی سال‌به‌سال شدیدتر و عمیق‌تر شده

پشت پرده حملات توپخانه ای و هوایی جمهوری اسلامی به اقلیم کردستان

پیبایی به ارتفاعات مرزی کردستان عراق که موجب وارد آمدن خسارات مالی و بعضاً جانی به ساکنان کردستان عراق خواهد شد و نیز همزمانی انجام حملات موشکی و پهبادی جمهوری اسلامی به مقر احزاب کرد ایرانی در شهرهای مرکزی کردستان عراق می‌تواند مردم منطقه و جناح‌هایی از درون حاکمیت اقلیم را علیه نیروهای اپوزیسیون شوراند و آنها را برای خلع سلاح و یا خروج نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی از خاک کردستان عراق مصمم تر سازد.

التیماتوم فرمانده نیروی زمینی جمهوری اسلامی، مبنی بر اینکه "ادامه این وضعیت برای ما قابل قبول نیست" و به زودی "پاسخ لازم" را به گروه‌ها و احزاب مستقر در کردستان عراق خواهیم داد، علاوه بر هشدار به مسئولان اقلیم کردستان به نوعی متوجه رهبران عراق نیز بود. چرا که محمد پاکپور به‌طور همزمان از دولت عراق هم خواست که نباید به "تروریست‌ها" اجازه جولان و برپایی مقر در این سرزمین را داد. چرا که "هرگونه کوتاهی و غفلت در این خصوص مغایر حسن همجواری و روابط حسنه" میان دو کشور است.

التیماتومی که دو روز بعد از حملات موشکی و پهبادی به مقر احزاب اپوزیسیون در اقلیم کردستان عراق، به نوعی دیگر در روز یکشنبه ۲۱ شهریور با حمله چند پهباد انتحاری به فرودگاه بین‌المللی اربیل کردستان عراق هم صورت گرفت. فرودگاهی که مقر استقرار نیروهای ائتلاف ضد داعش بر رهبری آمریکا است و نتیجه مستقیم چنین حملاتی بیش از اینکه متوجه اقلیم کردستان باشد، متوجه دولت عراق خواهد شد. دولتی که انتخابات پارلمانی را پیش رو دارد و انجام اینگونه حملات گسترده موشکی و پهبادی می‌تواند گوشه دیگری از سیاست جمهوری اسلامی برای باج‌خواهی از دولت عراق تلقی شود. در واقع حملات فشرده و پیبایی جمهوری اسلامی می‌تواند علاوه بر همسویی نیروهایی از درون اقلیم کردستان، ناشی از همان نگرشی باشد که هیئت حاکمه ایران با خروج آمریکا از افغانستان و عراق به درست یا غلط خود را در وضعیتی می‌بیند که فکر می‌کند فضا هم برای باج‌خواهی از دولت عراق و هم برای اعمال فشار به رهبران اقلیم کردستان جهت خلع سلاح و اخراج اپوزیسیون ناسیونالیست بیش از پیش برایش فراهم شده است.



ارتقای آگاهی معلمان و ضرورت تعمیق مبارزه

تجمعات روزهای گذشته بودند.

اما جدا از همه این تجمعات اعتراضی، معلمان رسمی آموزش و پرورش نیز در روزهای گذشته چندین بار در تهران و یک بار در شیراز و اهواز در اعتراض به وضعیت معیشتی خود دست به تجمع زدند، تجمعاتی که عدم پرداخت فوق‌العاده ویژه و سخنان کاظمی رئیس سازمان برنامه و بودجه در این رابطه بستر آن را مهیا کرد، تا معلمان از معلمان جوان تا معلمان با سابقه به خیابان بیایند. اعتراضاتی که از شبکه‌های اجتماعی آغاز و به خیابان‌ها کشیده شد.

میرکاظمی معاون ابراهیم رئیسی و رئیس سازمان برنامه و بودجه در گفتگو با شبکه دو سیما، فوق‌العاده ویژه معلمان را مغایر با قوانین و احکام بودجه دانسته و گفته بود که این مساله ۱۸۰۰ میلیارد تومان برای دولت هزینه دارد و اگر قرار بر اعمال فوق‌العاده ویژه باشد، باید این مساله در کابینه به تصویب برسد. وی ناراضیاتی خود از پرداخت فوق‌العاده ویژه معلمان را پنهان نکرده و گفته بود: "بعضی از اتفاقات در روزهای آخر دولت قبلی اتفاق افتاده که خیلی اخلاق مدارانه نبوده و امروز ما را در تنگنا قرار داده است!!"

همین سخنان کافی بود تا آتش خشم فروخته‌ی معلمان فروزان شود. در روز یکشنبه ۱۴ شهریور معلمان در برابر مجلس اسلامی دست به تجمع زدند، اعتراضاتی که در روزهای بعد تداوم یافت و باعث شد تا مقامات دولتی به نوعی حرف خود را عوض کرده و اعلام کنند در شهریور ماه فوق‌العاده ویژه معلمان در حقوق آن‌ها اعمال می‌شود و مابه‌تفاوت ماه‌های گذشته نیز پرداخت می‌گردد.

با اعمال فوق‌العاده ویژه اگرچه مقداری بر حقوق معلمان افزوده می‌شود، اما با خواست معلمان برای داشتن حقوقی که بتوانند با آن هزینه‌های سرسام‌آور زندگی را پاسخگو باشند فاصله بسیار دارد. در واقع اعمال فوق‌العاده ویژه چیزی نبود جز تقلیل خواست معلمان و اعتراض‌شان به حقوق‌های ناچیز، توسط سازمان برنامه و بودجه با همکاری تشکلهای دولت ساخته. برای همین بود که در روز یکشنبه ۱۴ شهریور یکی از شعارهای معلمان "حقوق ما ۳ میلیون هیات علمی ۳۰ میلیون" بود. در واقع معلمان خواستار اجرای رتبه‌بندی و دریافت ۸۰ درصد حقوق اعضای هیات علمی هستند. حقوق معلمان همچنین با دیگر کارمندان دولت نیز قابل مقایسه نیست. یکی از معلمان در همین رابطه در شبکه‌های اجتماعی نوشت: "چرا یک معلم با مدرک کارشناسی در آموزش و پرورش و با پیشینه کاری بالای ۱۵ سال حکمش بین ۴ تا ۵ میلیون است و کارمندی دیگر در نهادی دیگر با همین شرایط

باید ۱۲ میلیون و ۱۵ میلیون و ۱۷ و حتی ۲۰ میلیون دریافتی داشته باشد؟"

معلمان در تجمع خود در طول این هفته همچنین شعارهایی همچون "نه تسلیم نه سازش، رتبه بدون خواهش"، "معلم داد بزن حق تو فریاد بزن"، "صدا و سیما کجاست حقوق ما رو هواس"، "معلم بیدار است از تبعیض بیزار است" و "هر روز ما اعتراض بابت یه چندرغاز" سر دادند. در شیراز و در تجمع معلمان در روز شنبه، معلمان همچنین شعار اعتصاب سر دادند. یکی از سخنگویان تجمع معلمان در این روز گفت: "خواست‌هامون محقق نمیشه مگر این که اقدام عملی انجام بدیم" و در ادامه خواستار تعطیلی آموزش شد که معلمان در ادامه شعار دادند: "مشکل ما حل نشه مدرسه تعطیل میشه".

از نکات مهم این دور از اعتراضات معلمان، حضور معلمان جوان است، معلمانی که حقوق آن‌ها حدود ۳ میلیون تومان است و حتا در رابطه با پرداخت فوق‌العاده ویژه نیز کمترین افزایش شامل حال آن‌ها می‌شود. براساس دستورالعمل صادره رتبه ۵ با ۲۷ درصد و مقدماتی با ۱۲ درصد افزایش بالاترین و کمترین فوق‌العاده ویژه را دریافت می‌کنند. یعنی به این ترتیب برای معلمان تازه استخدام شده فوق‌العاده ویژه تنها حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار تومان افزایش حقوق را بدنبال خواهد آورد که مبلغ بسیار ناچیزی است.

اما موضوع بسیار مهم این است که نه فقط معلمان رسمی، قراردادی، مدارس غیرانتفاعی، خرید خدمتی، نهضتی و سرایداران با معضل دستمزد و حقوق‌های ناچیز روبرو هستند، بلکه این معضل عموم کارگران و زحمتکشان است.

در همان روز یکشنبه که معلمان در برابر مجلس دست به تجمع زده بودند، تعدادی از بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی نیز در همان مکان دست به تجمع زدند. آن‌ها ضمن اعتراض به زندانی بودن کارگر بازنشسته اسماعیل گرمی، بار دیگر بر خواست‌های اصلی خود بویژه اجرای درست همسان‌سازی (۹۰ درصد حقوق شاغلان) تاکید کردند. زمان چندانی از یکشنبه‌های اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی نگذشته است، اعتراضاتی سراسری که در بسیاری از شهرها بازنشستگان را با وجود شرایط کرونایی به خیابان می‌کشاند و حتا در اوایل سال جاری به هفته‌ای دو بار ارتقاء یافت و تا قبل از به‌اصطلاح انتخابات ریاست‌جمهوری تداوم یافت و بدون تردید بار دیگر این اعتراضات اوج خواهند گرفت.

یکی از بازنشستگان در مورد وضعیت مستمری خود (که یک نمونه برای درک

شرایط معیشتی بازنشستگان است) در شبکه‌های اجتماعی نوشت: "حقوق من در سال ۹۱ مبلغ ۹۰۰ هزار تومان بود که دلار هزار تومان بود. یعنی من ۹۰۰ دلار در ماه حقوق می‌گرفتم و توان خرید ۹۰۰ دلار داشتم. در حال حاضر ۵ میلیون و پانصد هزار تومان حقوق می‌باشد یعنی ۲۰۰ دلار توان خریدم شده یعنی ۵ برابر از سال ۹۱ کمتر حقوق می‌گیرم همه را به این درد بی دوا گرفتار کرده اند کسی هم جوابگو نمی‌باشد. سال ۹۱ یک شیر پاکتی حد اکثر ۲۰۰ تومان بوده در حال حاضر ۸ هزار تومان این نمونه ای از تورم لجام گسیخته است".

وضعیت کارگران نیز به همین شکل است و برای همین است که برای نمونه یکی از خواست‌های کارگران پروژهای اعتصابی نفت، گاز و پتروشیمی این است که هیچ کارگری نباید از ۱۲ میلیون تومان کمتر دستمزد بگیرد. این در حالی‌ست که به اعتراف مقامات دولتی ۵ میلیون کارگر دستمزدی حتا کمتر از حداقل دستمزد دریافت می‌کنند از جمله همین معلمان خرید خدمتی و یا اکثریت بزرگ معلمان مدارس غیرانتفاعی. آن‌هم در شرایطی که به اعتراف عوامل تشکل دولتی خانه کارگر هم اکنون هزینه معیشت یک خانوار به ۱۱ میلیون تومان در ماه رسیده و البته به طور واقعی هزینه معیشت (و در واقع خط فقر) بسیار بیشتر از برآورد این تشکل دولتی است. بنابراین مساله دستمزد و حقوق مساله عموم کارگران و زحمتکشان یعنی همان ۹۹ درصدی‌های جامعه است. درد مشترک همه‌ی آن‌ها، دردی که البته درمان آن راه حلی دارد، راه حلی مشترک.

اما باید از این شروع کرد که چه کسی مسئول این شرایط است؟! شرایطی که در پی سال‌ها آن‌چنان از دستمزد و حقوق‌ها به طور واقعی کاسته شده که شکاف عمیقی بین حقوق و دستمزد کارگران و زحمتکشان با خط فقر بوجود آمده است. بدون تردید طبقه حاکم و نماینده سیاسی آن یعنی جمهوری اسلامی عامل اصلی این شرایط هستند و از هم اکنون مشخص است که کابینه رئیسی وظیفه دارد حتا بیش از کابینه‌های گذشته در خدمت سرمایه‌داران باشد و در نتیجه این شکاف، یعنی شکاف بین دستمزد و خط فقر باز هم - حتا با سرعتی بیشتر - عمیق‌تر خواهد شد. نگاهی به سخنان دو هفته پیش وزیر کار گویای تمام ماجراست وقتی که با ریاکاری محض گفت: "بخش قابل‌ملاحظه‌ای از هزینه‌های کارفرما، حقوق و دستمزد پرداختی است. ما نباید کاری کنیم که کارفرمایان متضرر شوند. کارگران ما نگران کارفرماها هستند که این یک فرهنگ خوب کارگری است". این مرتجع دروغ‌گو و شاید البته خیلی خوب می‌داند که دستمزد کارگران تنها بخش کوچکی از هزینه‌های

ارتقای آگاهی معلمان و ضرورت تعمیق مبارزه

سرمایه‌داران است و اتفاقاً منشاء سود سرمایه‌داران همان نیروی کار کارگر است، کارگرانی که امروز حتماً براساس معیارهای سرمایه‌داری نیز دستمزدی برابر با ارزش نیروی کار خود دریافت نمی‌کنند. این مرتجع شیب‌د و دیگر حاکمان فاسد به‌خوبی می‌دانند که این تنها کارگران و زحمتکشان هستند که سال به سال فقیرتر می‌شوند و در عوض سرمایه‌داران و مقامات حکومتی سال به سال مرفه‌تر می‌گردند.

سخنان میرکازمی رئیس برنامه و بودجه نیز که مدام از بی‌پولی، کسری بودجه و ضرورت صرفه‌جویی صحبت می‌کند در واقع بیانگر همین خط است، خطی که مخالف افزایش حقوق و دستمزد کارگران، معلمان و بازنشستگان است و البته برای آن بهانه‌هایی بی‌شمارانه می‌تراشد.

بنابراین همان طور که معلمان در شیراز به صراحت اعلام کردند و این آگاهی نتیجه سال‌ها مبارزاتشان است، تا اقدام عملی برای برآوردن خواست‌ها از جمله افزایش حقوق صورت نگیرد، معلمان و همین‌طور دیگر گروه‌های جامعه همچون کارگران و بازنشستگان به خواست‌های خود نخواهند رسید. اما برای این‌که یک اعتصاب موفق باشد، باید بخش بزرگی از معلمان را با خود همراه کرد. اتحاد معلمان و حضور آن‌ها در تشکل‌های مستقلشان یک مساله بسیار مهم است، همان‌طور که این اتحاد و تشکل برای بازنشستگان و کارگران و دیگر زحمتکشان نیز یک مساله حیاتی است.

جدا از این، اتحاد تمامی اقشار ستمدیده‌ی جامعه، تمامی کارگران و زحمتکشان که درشان مشترک است، یک مساله بسیار حیاتی است. درد مشترک درمان مشترک دارد. دردی که خشمی آمده‌ی انفجار را در خود دارد، خشم تلنبار شده از سال‌ها ظلم و ستم و سرکوب و جنایت. برای درمان این درد، اما کارگران و زحمتکشان با سدی به نام جمهوری اسلامی روبرو هستند. سدی که عامل تمامی این دردهاست، سدی که حافظ مناسبات ظالمانه سرمایه‌داری حاکم است. کشوری که امروز بیشترین میلیونرهای خاورمیانه را دارد اما درآمد سرانه‌ی آن از تمامی کشورهای منطقه به جز افغانستان و پاکستان کمتر است و همین نمونه گواه واقعیت مناسبات سرمایه‌داری حاکم بر ایران است. اگر کارگران و زحمتکشان مدام فقیرتر می‌شوند، در آن سو اما سرمایه‌داران زیر سایه حکومت اسلامی مدام بر ثروتشان افزوده شده است. این نظم را باید دگرگون ساخت، این نظم را باید از ریشه برانداخت.



اطلاعیه شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

در مورد بمباران محل استقرار نیروهای اپوزیسیون در کردستان عراق و مردم منطقه توسط رژیم جمهوری اسلامی

بامداد روز پنجشنبه ۱۸ شهریور ماه چند فروند جنگنده نیروی هوایی رژیم جمهوری اسلامی محل استقرار تعدادی از احزاب کردستان ایران در مناطق مرزی اقلیم کردستان را مورد حمله قرار دادند. بنا بر گزارش‌ها، این حملات در حوالی ساعت ۶ بامداد با تجاوز چندین فروند جنگنده و پهباد به حریم هوایی کردستان عراق شروع شد و به دنبال آن، ارتفاعات "هنگورد"، "بریزین" و "آلانه" نیز توسط آتش توپخانه‌های سپاه پاسداران مورد حمله قرار گرفت. تاکنون خبری از تلفات جانی این حملات نرسیده است، اما گفته می‌شود این حملات خسارات مالی فراوانی به مردم ساکن این مناطق وارد کرده است. این حملات به دنبال تهدیدات "مجد پاکپور" فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران و فرمانده قرارگاه حمزه انجام گرفت.

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی محل استقرار نیروهای اپوزیسیون در کردستان عراق و مردم منطقه را بمباران می‌کند. جمهوری اسلامی طی چند دهه اخیر از هیچ تلاشی برای سلب امنیت از مردم کردستان عراق، توپ باران و آتش باران مناطق مرزی، موشک باران مقر احزاب اپوزیسیون و انجام اعمال تروریستی بر علیه نیروهای آنان کوتاهی نکرده است. طی این سالها صدها تن از کادرها و اعضای احزاب مخالف جمهوری اسلامی در کردستان عراق هدف اعمال تروریستی رژیم ایران قرار گرفته، جانباخته و یا زخمی شده‌اند و مزارع و باغات مردم زحمتکش این منطقه به آتش کشیده شده‌اند.

یکی از اهداف اصلی جمهوری اسلامی از این اعمال تروریستی و مداخله‌گری‌های نظامی به انحراف کشاندن افکار عمومی از توجه به اوضاع فلاکت بار اقتصادی، ناامنی جانی و امواج خروشان اعتصابات کارگری و جنبش‌های اعتراضی در داخل ایران است که از هر سو این رژیم جنایتکار را تحت فشار قرار داده است. هدف دیگر جمهوری اسلامی که در هماهنگی با دولت ترکیه آن را پیش می‌برد بی‌ثبات کردن اوضاع سیاسی کردستان عراق و گسترش شبکه‌های امنیتی و جاسوسی خود در این منطقه است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست این حملات نیروهای رژیم جمهوری اسلامی به محل استقرار احزاب و نیروهای سیاسی کردستان ایران و مردم منطقه در نوار مرزی را به شدت محکوم می‌کند و یقین دارد که این عملیات جنایتکارانه نه تنها نمی‌تواند مردم کردستان ایران را مرعوب نمایند، بلکه آتش خشم و انزجار عمومی از حکومت اسلامی را شعله‌ورتر خواهند کرد. در حالی که تهدیدات روزهای اخیر فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان عراق و نیروهای اپوزیسیون با سکوت هماهنگ و معنا دار حکومت اقلیم کردستان، دولت عراق و نیروهای آمریکایی مستقر در آنجا همراه بوده است، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست از مردم آزاده کردستان عراق انتظار دارد که در مقابل اهداف ارتجاعی و ضد انسانی و تجاوز آشکار رژیم جمهوری اسلامی علیه امنیت خود دست روی دست نگذارند و به هر شکلی که می‌توانند علیه آن اعتراض کنند.

در چنین شرایطی تنها با حضور مردم در صحنه سیاسی جامعه و به میدان آمدن توده‌های مردم و حمایت و همبستگی بشریت ترقی خواه است که می‌توان به مداخله‌گری رژیم جمهوری اسلامی در این منطقه پایان داد و از به بازی گرفتن امنیت جانی و معیشت و سرنوشته مردم جلوگیری کرد.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۹ سپتامبر ۲۰۲۱

۱۸ شهریور ۱۴۰۰

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-کمونیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



ارتقای آگاهی معلمان و ضرورت تعمیق مبارزه

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 937 September 2021

به جای پاسخگویی مقامات سازمان برنامه و بودجه به خواست این معلمان که اکنون اغلب آن‌ها بازنشست شده‌اند، نیروهای انتظامی با خشونت وارد عمل شد تا به تجمع آن‌ها خاتمه دهد.

تجمع معلمان "خرید خدمتی" یزد در برابر اداره‌ی آموزش و پرورش این شهر در اعتراض به وضعیت شغلی ناپایدار، پرداخت نشدن دستمزدها، دستمزدهای پایین و شرایط سخت معیشتی و تجمع سرایداران آموزش و پرورش دشت‌آزادگان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود در برابر استانداری خوزستان از دیگر درصافه ۸

شنبه گذشته ۱۳ شهریور نیز پذیرفته‌نشده‌گان در آزمون استخدامی آموزشیاران و آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی در برابر مجلس اسلامی دست به تجمع زده و خواستار رسیدگی به وضعیت شغلی خود شدند. این تجمع‌کنندگان نیز سال‌ها (بین ۱۰ تا ۱۵ سال) به عنوان آموزش‌یار در نهضت سوادآموزی بویژه در مناطق محروم به تدریس اشتغال داشتند.

همچنین در روز یکشنبه ۱۴ شهریور معلمان که مدتی در خارج از کشور مشغول تدریس بودند و طی سال‌های ۸۴ تا ۸۶ وزارتخانه ۳۰ درصد از حقوق‌شان را پرداخت نکرده بود، در برابر سازمان برنامه و بودجه دست به تجمع زدند. اما



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی